

# پژوهشی در خوانش واژگان شاهنامه

به گفته نویسنده کتاب این آخرین پژوهشی است که او پس از ۵۰ سال تحقیق، درباره شاهنامه به انجام رسانده است

رودآورد

BOOK REVIEW



متن های دیگر قرن چهار و پنج نیز مورد استفاده بوده است؛ اما از آنجا که تاریخ کتابت آن ها ناآشکار است، ملاک خوانش حتمی واژگان قرار نگرفته است. لغت فرس اسدی طوسی (قرن ۵ ق.) یا فرهنگ هایی چون فرهنگ جهانگیری (قرن ۱۱ ق.) و برهان قاطع (قرن ۱۱ ق.) نیز در این کتاب محل توجه بوده است.

ب) منابع امروزی تر مورد مطالعه خالقی مطلق در تعیین خوانش واژگان شاهنامه، یکی براهین المعجم محمدتقی سپهر (قرن ۱۳ ق.) بوده است و دیگری فرهنگ شاهنامه، نگاشته فریتس ولف آلمانی در سال ۱۹۳۵. در این فرهنگ همه واژه های شاهنامه به خط فارسی و آوانوشت آن به لاتین و برگردان آن به زبان آلمانی آمده است. به عقیده خالقی مطلق، با اینکه تلفظ برخی واژگان در فرهنگ ولف نادرست است، این کتاب را باید مهم ترین منبع در مطالعه خوانش واژگان شاهنامه دانست. دیگر فرهنگ واژگان، که خالقی مطلق از آن بهره برده، فرهنگ کوچک پهلوی از دیوید نیل مکنزی است که آن را در ۱۹۷۱ در لندن منتشر کرده است. نویسنده این فرهنگ کوچک، در رو به روی واژگان به فارسی میانه، معادل آن را به فارسی معیار با آوانوشت لاتین آورده است.

فرهنگ تاجیکی و گویش تهرانی و همین طور پژوهش هایی که معاصران (نظیر محمد معین، جهانگیر کوورجی کویاجی، پرویز ناتل خانلری، احمد تقضلی، علی رضاشاپور شهبازی، علی اشرف صادقی، حسین شهیدی مازندرانی، محمد حسن دوست، کاظم دزفولیان، ابوالفضل خطیبی، سجاد آیدنلو، وحید عیدگاه طرهبه) درباره برخی واژه های شاهنامه انجام داده اند، در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

بنابر آنچه آمد، خالقی مطلق در یافتن خوانش

کتاب واج شناسی شاهنامه (پژوهشی در خوانش واژگان شاهنامه) بنابر گفته نویسنده کتاب، آخرین پژوهشی است که او پس از ۵۰ سال تحقیق، درباره «یکی از والاترین دستاوردهای تاریخ و فرهنگ ایران و یکی از شگفت ترین پدیده های زبان و ادب فارسی»، یعنی شاهنامه به انجام رسانده است. نویسنده در پژوهش پایانی خود بر شاهنامه، در صدد ضبط خوانش واژه های شاهنامه بوده، آن گونه که خود سراینده اثر می خوانده است؛ صرف نظر از اینکه تا چه حد این امر امکان پذیر و شدنی باشد، او کوشیده این هدف را با بهره گیری از همه منابع موجود در این زمینه بر آورده سازد و «خوانش حتمی» یا «در مواردی خوانش نزدیک به او» را بیابد و آشکار سازد.

خالقی مطلق به این منظور، دودسته منابع را، که در دسترس بوده، مطالعه و بررسی کرده است: الف) منابع کهن؛ ب) منابع نزدیک به روزگار نویسنده.

الف) منابع کهن متعلق به دوره میانه زبان های ایرانی، همانند متن های پارسی میانه و پهلوی اشکانی و پارتی مانوی و همین طور پنج متن فارسی، که از سده پنجم هجری قمری به جا مانده و در آن ها برخی واژه ها اعراب گذاری شده است. این پنج متن عبارت اند از: ۱) الابنیه عن الحقایق الادویه از موفق الدین ابو منصور علی هروی به خط اسدی طوسی به تاریخ شوال ۴۴۷ هجری قمری؛ ۲) بخشی از شرح التعرف لمذهب التصوف، تألیف ابوابراهیم اسماعیل بن محمد مُستملی بخاری؛ ۳) هدایه المتعلمین فی الطب، نوشته ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری؛ ۴) کتاب معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر از ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد حدادی؛ ۵) تفسیر قرآن پاک که هویت نویسنده آن ناآشکار است. جدا از این پنج متن فارسی، برخی

حمیدرضا اردستانی رستمی



واج شناسی شاهنامه

- جلال خالقی مطلق
- نشر دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۹۹
- ۲۲۰۰ نسخه
- ۶۷۳ صفحه
- ۱۵۰ هزار تومان



درست واژگان شاهنامه، نخست به سراغ زبان فارسی میانه می‌رود و گاهی معادل پارتی و مانوی (پارتی تورفانی) را هم بر آن می‌افزاید (البته اگر آن واژه شاهنامه، گونه پهلوی و پارتی اش در دست باشد). او درباره نام کسان نیز گاه ریخت اوستایی و فارسی باستان آن واژه را یاد می‌کند. در مرحله بعد، او در پنج متن فارسی یاد شده به جست‌وجو می‌پردازد، سپس آن واژه را در شاهنامه بررسی می‌کند. او در وهله نخست، از شمار کاربرد هر واژه بر بنیاد فرهنگ ولف یاد می‌کند تا با ارائه آمار تقریبی آن واژه، خواننده را از میزان کاربرد هر واژه در شاهنامه آگاه سازد و بعد از این مرحله، دیدگاه خود را درباره آن واژه یاد می‌کند.

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که خالقی مطلق از دو فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع به گونه‌ای ویژه استفاده می‌کند و بر آن است که این دو فرهنگ، تلفظ بسیاری از واژه‌های شاهنامه را روشن می‌کند. او در این باره می‌نویسد: «از آنجا که ادب فارسی تا حد زیادی یک ادب الگویی است؛ یعنی نویسندگان و سرایندگان بیش از آنکه در پی آفرینش نو و فرعی باشند، از الگوهای کهن ادبی پیروی می‌کنند؛ در نتیجه، این الگوگرایی در عناصر زبانی نیز مؤثر بوده و کمابیش یک زبان معیار پدید آمده است. چنین است که در فرهنگ‌های فارسی، از جمله دو فرهنگ نام‌برده، از یک و گاه دو خوانشی که از یک واژه به دست می‌دهند، دست‌کم یک خوانش آن نقل خوانش کهن است. از این رو، تنها با توجه دقیق به داده‌های این دو فرهنگ، می‌توان به خوانش بسیاری از واژگان شاهنامه (و متون کهن دیگر) دست یافت» (ص ۲۱).

نویسنده همچنین توجه به قافیه در شاهنامه را از ابزار تعیین تلفظ واژگان شاهنامه می‌داند و می‌نویسد: «خوانش واژگان در کنار توانش قافیه در خود شاهنامه، مهم‌ترین ملاک و دست‌مایه مادر تعیین خوانش احتمالی یا حتی واژگان شاهنامه است» (ص ۲۱).

بایسته یاد کرد است که این اثر، در بردارنده همه واژگان شاهنامه نیست؛ زیرا خوانش بسیاری از واژه‌ها (برای نمونه آمدن، اندر، بالا، پاک، تاب، جام، چنگ، خاک، داغ، راه) نیاز به بررسی ندارند و خوانش آن‌ها برای فارسی‌زبانان روشن است؛ بنابراین در این اثر به واژه‌هایی (همانند بگاه/ بگد، توانا/ توانا، زبان/ زبان، جوان/ جوان، پدرام/ پدرام، نهفته/ نهفته، پیمودن/ پیمودن، پیدا/ پیدا) پرداخته شده است که درباره خوانش آن یگانگی دیدگاه وجود ندارد؛ البته خالقی مطلق در بسیاری از خوانش‌های خود، احتیاط علمی را نگه می‌دارد و از قید «محتمل» و «محتمل‌تر» و «نزدیک‌تر» استفاده می‌کند.

بنابر آنچه آمد، این کتاب می‌تواند منبعی بایسته در تعیین خوانش واژگان شاهنامه باشد و خواننده شاهنامه می‌تواند به یاری این کتاب خالقی مطلق، که همچون دیگر کارهای پژوهشی او (جدا از تصحیح ارجمند او از شاهنامه که جایگاه و پایگاه خود را دارد) بسیار آموزنده است، به تلفظ درست واژگان شاهنامه دست یابد؛ بنابراین مطالعه این کتاب راه‌همة کسانی که به خوانش صحیح واژگان شاهنامه اهمیت می‌دهند، می‌توان پیشنهاد داد. (X)

